

# گزارش گردهمایی برای فرخنده

## در مقابل محکمه بین المللی لاهه

29 مارچ 2015 هالند



روز یکشنبه بیست و نهم مارچ، بیشتر از دو صد و پنجاه نفر افغان مقیم هالند در شهر لاهه، داعیه و بیرق عدالتخواهی را مشترکاً برافراشتند. اعضا و نمایندگان انجمن ها، فدراسیون ها، نهادها و شخصیت های مستقل و دلسوز در مقابل محکمه بین المللی لاهه، گرد هم آمدند تا خشونت و سفاکی ددمنشان را تقبیح نموده و برای خون فرخنده، دادخواهی نمایند.

شروع مراسم : ساعت ۶ عصر

ختم مراسم : ساعت ۸ شام

گرداننده :

خانم لونا ولی رئیسه فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در هالند FAVON

گرداننده ساعت شش عصر مراسم را آغاز کرد:

" مرگ خونین و آتشین فرخنده، برای ما ماتم ملی است و برای بشریت، تکان دهنده ترین و شرم آور ترین خشونت است که تا هنوز در تاریخ معاصر، علیه یک زن صورت گرفته است. فرخنده، این دخت سرفراز میهن، در روز روشن و در ملای عام، در پایتخت کشور در نزدیکی ارگ و موجودیت پولیس های تفنگدار، در چندین مرحله به قتل



میرسد. فرخنده در زیر سنگ و چوب میمیرد، از روی جسدش موتر عبور می کند، تن خونینش به آتش کشیده می شود و سرانجام توتّه های بدن سوخته اش دوباره سنگباران می گردد..."

برنامه مراسم در بخش های ذیل تقسیم می شد:

1. سخنرانی ها
2. خوانش شعر
3. خوانش قطعه انگلیسی و هالندی
4. پیامهای کوتاه نهاد ها
5. تقدیم حضوری قطعه به پوهاند عبیدالله عبید سفیر افغانستان مقیم لاهه
6. اختتامیه مراسم

مراسم، در شرایطی دایر گردید که باد و باران شدید در منطقه گردهمایی چیره بود، اما اشتراک کنندگان تا پایان مراسم با حوصله مندی تمام ایستادند و برای دادخواهی و تقبیح ددمنشان بیرحم شعار می دادند. سخنرانان و شعرخوانان که بیشترین شان زنان بودند به نوبت مطابق برنامه، صدا و مطالب شان را فریاد می کردند. سخنرانی ها با خاتم نجلا واسعی آغاز گردید.

خاتم نجلا واسعی :

رئیس فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا FAROE

خاتم واسعی اولین سخنران بود که سخنرانی اش را با سوز و فریاد مادرانه و داد خواهانه انجام داد. خاتم واسعی ابعاد مختلفی فرخنده را با دیدگاه انتقادی و عدالت خواهانه بررسی نمود و دفاع از خون فرخنده و عدالت را وظیفه هر انسان آگاه و با وجدان بشمار آورد. خاتم واسعی به تداوم بخشی داعیه دادخواهی تأکید ورزیدند ...

... و گفتند: شرایطی را در افغانستان باید ایجاد کرد که دگر زنی در زیر هجوم نامردان نمیرد و از روی جسدش موتر عبور نکند و مرده اش را آتش نزنند و بر تن سوخته اش تخته سنگ ها را حواله نکنند. مرگ فرخنده بدترین حادثه ای است که در تاریخ کشور اتفاق افتیده است. درین حادثه نه تنها قاتلین خیانت کرده اند بلکه دولت و پولیس نیز



جفاکار است چون در پیش روی پولیس ها این فاجعه رخ داده است ... و کسان دیگری که با فتوا های شان این قتل را تأیید کرده اند، نیز در ترویج خشونت سهمیم میباشند...

داکتر حمیرا نکهت دستگیرزاده:

رئیسۀ انجمن نویسندگان و شاعران برون مرزی افغانستان ( انشا)

داکتر نکهت، شاعر، نویسنده، منتقد و مدافع حقوق انسان، سخنرانی اش را اینگونه آغاز کرد: خشونت روی جاده به این شکل سابقه نداشته است ... حتی یک مرد یک زن برای دفاع از فرخنده دستش خون نشده است ...

خبر تصویری را نگاه می کنم زنی می گریزد، مردان بی شماری بر او میتازند چوبی که بر بدن زن فرود آمده از بدنش به زمین می افتد زن می ایستد و به روبرویش نگاه می کند می افتد بر می خیزد می گریزد... جمعیت مردان بیشتر به نظر میرسد و زن تنهاست... ملایی در تلویزیون از روی قرآن و حدیث از صلۀ رحم حرف میزند... فرهنگ ی آمده است که نه تنها خشونت را نه تنها اجازه می دهد که آنرا پشتیبانی می کند ...

... بیگمان بیرون از هر چه متن دینی است قرار داریم بیگمان به هر دینی کافریم بیگمان به هر اصلی نا برابر و به هر ارزشی ناسازگاریم وقتی چنین خشونت را دست و پنجه می دهیم و پیکر می شویم وقتی رحم را اینگونه از سینه ها رانده ایم. این جامعه ای که بجای دستگیری از افتاده با ایستاده های مهاجم دست یکی می کند، چی؟

چه روز تلخ و سیاهی به چشم دنیا بود

چه آشکار دل شهر زیر پا ها بود

دلی که ناله بر آورد سنگ خارا بود

زنی که سوخت به آتش یار دریا بود



انجنیر پروین سرابی:

فعال فرهنگی و حقوق زنان

خانم سرابی در آغاز سخنرانی خویش گفت: ما همه فرخنده ایم. ما عدالت می خواهیم. امروز آسمان نیز بخاطر فرخنده اشک میبارد. میدانم که فرخنده را بسیار بیرحمانه کشتند. در مورد فاجعه قتل فرخنده از زاویه دیگر می نگرد. قاتلین را با شدید ترین لحن نکوهش می کند، پولیس و تماشاگران را به نقد حقوقی، سیاسی و انسانی می کشد و چند تن بالا نشین را که بعد از فاجعه، بدون تأمل، قتل بیرحمانه فرخنده را تأیید نموده اند، محکوم می کند... فرخنده با مرگت جهان را به پا ایستاد کردی... تو وجدان ما را بیدار کردی... فرخنده ما را به عدالتخواهی و مبارزه فرا می



خواند... ملانیازی قاتلین را تأیید می کند و جامعه مدنی را می کوبد... ما مسؤلیت داریم که نگذاریم این داعیه بمیرد.

پروفیسور داکتر انور ترابی:

رئیس کمیسیون صحتی مجمع دانشمندان و متخصصان افغانستان

پروفیسور ترابی با دل پر درد و گلوی غمآلود گفت: خواهران عزتمند و برادران گران مایه از من پرسشی به عمل آمد که میخواهید سخنرانی کنید، گفتم نه خیر گفتند چرا، گفتم من مرد هستم و مردان خون آشام با فجیع ترین شکل وحشیانه فرخنده را کشتند.

ما مرد ها شرمسار هستیم و بهتر است خانم ها صحبت کنند. سر انجام به عنوان یک مرد چند جمله ای را به منظور معذرت خواهی و اظهار شرمساری مردان، نه از جانب جنایت کاران و حشی، بیان مینمایم. .. از اینرو ما مردان به رسم معذرت خواهی با شرمندگی و شرمساری همین لحظه در برابر چهره مظلوم خون آلود فرخنده سر تعظیم فرود میآوریم و این فاجعه ننگین را به عنوان رویداد شنیع قرن از جانب مردان محکوم میکنیم. فرخنده! روانت شاد و یادت همیشه باد!



دوشیزه فرخنده یارمند :

فعال مدنی و حقوق کودکان

نام من فرخنده است و قتی که به تاریخ 20 مارچ صحنه های غم انگیزی را از طریق تلویزیون دیدم که فرخنده را تعداد زیادی از مردان در شهر کابل به خاطر سوزاندن قرآن با سنگ و چوب به طور بیرحمانه کشتند و جسدش را آتش زدند. کشته شدن فرخنده مرا سخت تکان داد... وقتی این صحنه را دیدم تصمیم گرفتم که به افغانستان بروم ولی وقتی که زنها را دیدم که تابوت فرخنده را برشانه هایشان گرفته و به طرف قبرستان می برند، دوباره نیرو گرفتم و گفتم که حتمن به افغانستان میروم و برای وطنم کار می کنم ... اگر صادقانه بگویم از همان لحظه ای که صحنه های کشتن فرخنده را دیدم یک لحظه از پیش چشمانم دور نمی شود و از خودم می پرسم که چطور انسان میتواند یک انسان را با این وحشت و بی رحمی بکشد. من هم فرخنده ام من هم فرخنده ام.



بانو شفیقه پشتونزی:

شاعر و رئیسۀ انجمن افغانهای سلد ریخت در هالند.

خانم پشتونزی پیش از آنکه شعری که در مورد فرخنده سروده بود، بخواند، چند شعار داد: مرگ او لعنت دوی شهید فرخندی په قاتلانوباندی، مرگ دوی د افغانستان په دولت باندی ...

تپه کره زما چیغی او نارې دې هیری نه شی

دظلم انتها اوزلزلې دې هیری نه شی

ماشوم می هم قاتل شو او دا زروونه شول دکانو

دتیژو دباران دغم شیبی دې هیری نه شی

زما د با حجابہ صورت کری تری پوښتنه

چی پریو ته په پښوکی لوپتی دی

زه مړه

هیری نه شی

ووم خو دا روح می تماشه د جسد کرله

بی روحه کریم لمبه هغه لمبی دې هیری نه شی



زما د زرغونی او د نازو د ننگ قرضدار شول  
میونده د ملالی افسانی دی هیری نه شی

با نو فوزیه میترا:

نطاقُ خبرنگار برجسته کشور و فعال فرهنگی

قسمتی از شعر تانیا عاکفی را که به برای فرخنده سروده شده بود، با صدای بغض آلود و اشک آفرین به خوانش گرفتند:

امروز تازیانه چرا می زنند مرا  
هی می زنند به نام خدا می زنند مرا  
با سنگ و خشت و چوب و به گل یا به پای خود  
بر پیکرم ز اوج جفا می زنند مرا  
آن لحظه می زدند و من استاده می شدم  
می گفتم این قبیله چرا می زنند مرا؟  
بردند مرا به بام زیارت و بار - بار  
کوبیده و شکسته، رها می زنند مرا  
این ملتی که بی خبری دین او شده  
جانی و راند و تر دو پا ، می زنند مرا



بانو

سمیه فروتن:

شاعر و فعال حقوق قربانیان و شخصیت فرهنگی.

بانو فروتن در آغاز گفتند که نمی خواهم از حضور شما درین مراسم ابراز امتنان نمایم چون این وظیفه هر یک ماست تا باخطر تقبیح قتل فرخنده و دادخواهی درین جا جمع شویم و صدای مشترک خود را فریاد نماییم.

سرت شکست

و دلم با تو سوخت

هر لحظه درد تو می کشد مرا

آتش نشست بر دل روزگار من

از حرم لحظه های تلخ تو  
 خون گرفت سفیدی چشم  
 به آن نگاه خسته ز نامردی  
 و من نگاه ترا حمل خواهم کرد  
 به هر طرف که صدایت بخواندم خواهر  
 و غزلی را نیز که برای فرخنده سروده بود بخوانش گرفت و اینگونه پایان یافت :  
 ای وای ما عجب سر شکسته ایم  
 اینجا نشان روح پاک هم خاک شد



بانو تانیا عاکفی:

شاعر و فعال حقوق زنان  
 شاعری که بتازگی کتاب " خراسان زادهٔ NI زمینم " را به چاپ رساند و در اشعار آن کتاب بار بار به تقبیح خشونت  
 نران پرداخته است، اینک شعری را که در 22 مارچ برای فرخنده سروده است و قسمتی از آن را بانو فوزیه میترا به  
 خوانش گرفته بود، قسمت های باقیماندهٔ آنرا با صدای عمآلودش برای جسد توتۀ توتۀ، خونین و آتشین فرخنده،  
 میخواند.

آری پلیس هم به دفاع "فلان" خود  
 دستی کشید به روی " کجا" می زنند مرا  
 جسمم که مُرد، کودکی، فریاد کرد و گفت:  
 سنگ کلان بزن! به رضا می زنند مرا  
 موتر سوار، آمد و بر پیکرم براند  
 کُشتند بی شمار مرا، می زنند مرا  
 نران شال پوش و کلاه دارِ سنگ دل  
 آتش زدند به پیکر ما، می زنند مرا  
 تندیس سوخته و دل زنده ام هنوز  
 فریاد می کشد که چرا می زنند مرا  
 یک روز تازیانه چرا می زنند مرا  
 روز دگر به شانه کجا می برند، کجا؟!  
 شاید که سنگ های بزرگ شکاریان  
 راه بهشت باز کند بر خدای شان  
 هر چند بیشتر بزنی، حوریان ناز  
 زنجیر پیرهن به تو سازند باز-



پاداش تو زن ست به فردوس ، زین عجب  
 زن می گُشی و دختر و خواهر به نام رب  
 دینی که بربری ست همه کور - کور باد  
 نری که مرد نیست از این خانه دور باد  
 دوشیزه گان خانه ی من ، پیکر مرا  
 تابو شکسته برده مرا، بستر مرا  
 انسانیت به پیکر کابل به خاک شد  
 فرخنده نه که دختر ملت هلاک شد  
 افغان نیم و شرم من آید ز نام من  
 بی دین ترین منم و همین ست مقام من  
 فرخنده نام شاه دو شمشیره می شود  
 بیگانه می رود و شبش تیره می شود



بانو منیژه نادری:

رئیس بنیاد فرهنگی شاهمامه، شاعر و مبارز فرهنگی  
 خانم نادری که با حوصله مندی تمام در زیر باران و باد با آقای عتیق فقیری، هم عکس می‌گرفتند و هم فیلمبرداری می  
 نمودند.... خانم نادری قطعه شعری از شاعر و منتقد نامدار کشور، سالار عزیز پور را با لحن غم گرفته ای به خوانش  
 گرفتند:

باور نکرده ام که تو هم دیو و دد شدی  
 از روی سینه ام به چه نامی تو رد شدی  
 آتش بزن به آه دلم کس نمی رسد  
 حتا خدای معرکه در پس نمی رسد  
 خاکسترم بکن که من از جنس ناله ام  
 از جنس آب و خاک و همان آه و لاله ام  
 با هر بهانه ای جسد مرا خراب کن  
 در پیش خلق سنگ بریز و بی آب کن  
 بانوی عشق و رونق عشاق می برند  
 یک کهکشان ستاره و آفاق می برند  
 این جا زمین خانه بی در دست بی خداست



آقای احمد پوری :

نویسنده، مترجم، سیاستمدار چپ گرای ایرانی، رئیس سازمان پناهندگی (PRIME) احمد پوری یکی از فعالترین شخصیت هایی است که از حقوق پناهندگان ایرانی و افغان در سطح هالند و اروپا دفاع می کند. دارای آثار و ترجمه ها و سیمینار ها و کنفرانس های پیشمار علمی است.

آقای پوری در سخنرانی خویش قتل فرخنده را تقبیح نمود و در مورد بنیادگرایی اسلامی صحبت کرد و گفت: امپریالیست ها در افغانستان به دو منظور آمده بودند:

تأمین حقوق و رهایی زن و مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی. این دو تا مطلقاً به ضد خود تبدیل شده اند، این همه جانور هایی که در خاور میانه و منطقه ما مثل قارچ از زیر زمین میرویند هیچ کدام شانرا که اسم شانرا نه شنیده بودیم حالا روی زمین را پر کرده اند... اینها میلیارد ها ابرو صرف می کنند بخاطر رویاندن تروریسم اما این اهداف همیشه به ضد خود تبدیل می شوند... جنایاتی را که ما شاهد آن هستیم بطور مثال مرگ فرخنده پایان جنایات نخواهد بود تا عمیقتر به این مسایل نبینیم... ما باید از تاریخ یاد بگیریم بعد از جنگ دوم جهانی کارل یاسپرس فیلسوف آلمانی می گوید بعد از فاشیسم بشریت همه گناهکارند میگوید ما در چهار سطح گناهکاریم:

یک، کسانی که از نظر حقوقی گناهکارند یعنی کسانی که در جنایت مشخص شرکت کرده اند... مثل جنایات بنیاد گرایی اسلامی در خاور میانه و منطقه .....



آقای مسعود نیازی:

رئیس بنیاد حقوق قربانیان افغانستان و فعال مدنی

سخنرانی شانرا با تقبیح و محکوم کردن عاملین قتل فرخنده آغاز کردند و نکات زیادی را در مورد این رویداد تاریخی مورد بررسی قرار دادند. آقای نیازی تأکید نمودند که داعیه دادخواهی برای قربانیان را به حیث یک وظیفه حقوق بشری و یک مکلفیت انسانی، باید با تمام قوت ادامه داد.

پوهاند داکتر عبیدالله عبید سفير افغانستان در لاهه:

پوهاند عبید در سخنرانی کوتاه خویش گفتند: من نیز به حیث یک شهروند کشورم، مرگ خواهرم فرخنده را برای فامیل گرامی فرخنده و زنان و همه مردم افغانستان تسلیت عرض می کنم... ما در تاریخ کشور خود همچو جنایت و قساوت را شاهد نبودیم اما مردان نامرد با قساوت و بیرحمی این خواهر را به شهادت رساندند...

لونا ولی گرداننده مراسم، قطعنامه گردهمایی را برای پوهاند داکتر عبیدالله عبید تقدیم کردند



آقای قامت :

نویسنده و فعال فرهنگی

اساساً خجالت می کشم که از نظر جنسی به حیث یک مرد درباره دختری که حماسه آفرید و به دست های ما مردها کشته شد و قربانی شد... من زمانی که داعش یک پیلوت را در قفس به آتش کشیدند من در همان وقت در دوماه پیش برای مردم خود نوشتم که اگر ما جلو بنیاد گرایی و عرب پرستان را نگیریم فردا فرزندان ما را نیز در پیش روی چشمان مان به آتش می کشند و فرخنده عزیز اولین قربانی این جهالت است



دوشیزه سحر شیرزاد:

فعال حقوق زنان و فعال مدنی و فرهنگی

دوشیزه شجاع و مبارز، در حالی که از آغاز مراسم در زمینه تخنکی با سخنرانان همکاری نمود اینک قطعنامه انگلیسی را قرائت می کند .

Statement



**Of the participants of the gathering of March the 29th 2015, in front of the Peace Palace, the**

**Hague, The Netherlands**

**The tragic story of Farkhunda, a young Afghan woman, attracted media attention Worldwide.**

**A mob of angry men beat 27-year-old Farkhunda before throwing her body off a roof, running**

**over it with a car, setting it on fire and throwing it into a river near a well-known mosque. This**

**happened on the 19th of March 2015 within a distance of 1km from the presidential palace in Kabul city...**

این چند جمله از قطعه نامه انگلیسی است که متن کامل آن به محکمه بین المللی جزا، اتحادیه اروپا، وزارت خارجه هالند و سایر سازمانهای بین المللی حقوق بشری ارسال می گردد.

آقای بشیر عزیزی :

نویسنده و فعال مدنی فرهنگی.

آقای عزیزی قطعنامه را بزبان هالندی قرائت نمود. آقای عزیزی اضافه نمودند که این قطعنامه برای پارلمان هالند و اتحادیه اروپا تقدیم می گردد. درین قطعنامه مرگ بیرحمانه فرخنده و هرگونه خشونت و بربریت تقبیح شده است.

Slotverklaring

"Wij willen gerechtigheid voor Farkhunde"

op 19 maart jl. werd een 27 jarige Afgaanse vrouw, FarKhunda, in de hoofdstad Kabul in het openbaar, op een gruwelijke wijze vermoord. Ze werd gestenigd, toegetakeld met stokken,

overreden, van een dak gegooid en uiteindelijk verbrand.

Wij zijn hier in Den Haag bijeengekomen om onze afschuw te tonen voor deze gruwelijke,



## mensen verachtende misdaad begaan tegen een onschuldige vrouw...

این چند جمله از قطعنامه بزبان هالندی است که متن کامل آن به پارلمان هالند و سازمان های حقوق بشری هالند ارسال می گردد .

پایان مراسم :

مراسم مطابق برنامه، از ساعت ۶ عصر به وقت لاهه شروع شده بود به ساعت ۸ شام به پایان رسید. آخرین سخنران، آقای کریم تتویر، رئیس اتحادیه سینماگران در هالند بود که درباره تھیة یک فیلم در مورد چگونگی مرگ فرخنده صحبت کرد و وعده داد که یک فیلم درین مورد می سازد.

و آقای محمدشاه فرهود مراسم را با ابراز سپاس از اشتراک کنندگان و به امید همیستگی سرتاسری هموطنان و پیشبرد داعیه عدالتخواهی و مبارزه بخاطر توقف خشونت علیه زنان، خاتمه بخشید. هموطنانی که در میان باد و باران تا آخر در مقابل محکمه هاگ ایستاده بودند، صحن تحصن را به امید برپایی سیمنازها و تداوم داعیه دادخواهی ترک نمودند.



پایان گزارش

لا هه / هالند